

## نظری بفلسفه تحریم ربا

\* روش قرآن در تحریم ربا

\* فلسفه تحریم از جنبه‌های اجتماعی و اخلاقی

روش قرآن مجید در مبارزه با انحرافات ریشه‌دار اجتماعی روشی کاملاً خاص بود. قرآن بجای اینکه دفعاً بتحریم عادات و رسوم غلط بپردازد، نخست بآماده نمودن زمینه تحریم در افکار عمومی می‌پرداخت و آنگاه که جامعه آماده پذیرفتن تحریم نهائی میشد قانون تحریم را بصراحت اعلام میداشت. این روش اساسی و مؤثر همانست که امروز قانون‌نگاران از آن پیروی میکنند زیرا تردیدی نیست که با افکار و احساسات عمومی جامعه برای پذیرش يك قانون آماده نباشد آن قانون در مرحله اجراء و به اصطلاح در مرحله «پیمان‌شدن» دچار مشکلات و موانع فراوان خواهد شد.

قرآن که در عمق قوانین خود این واقعیت مهم را مورد توجه قرار داده تحریم ربا را نیز در چهار مرحله مختلف زیر انجام داده است:

۱ - اولین بار قرآن در آیه «۳۹ از سوره روم» بصورت يك پند اخلاقی از ربا بپسندی بمان آورده و بپسند بسیار جالبی همینقدر بیان داشته که «ربا خواری» در پیشگاه الهی کار پسندیده و مقبولی نیست. در این آیه شریفه گفته ده: «فانها اذین کراه افراد کراهه بین است که نروت ربا خواری از راه سود گرفتن اضافه میشود اما در پیشگاه خدا و از نظر معنوی، از این نظر هیچ چیز بر موقعیت و مقام معنوی ربا خواری افزوده نمیشود» (۱).

این گونه سخن گفتن در باره ربا به توجه به این که قرآن همواره مردم را بدو کسب و تجارت حلال تشویق میکرد و حساب در ربا خواری را از سایر کسبهها کاملاً جدا میکند و از نظر اخلاقی بآن موقعیت کاملاً پست و ناشایسته‌ای می‌بخشد.

(۱) و ما آتیتم و ربا بآبروفی اموال الناس فلا یربرع الله و ما آتیتم من ذکوة تردون وجهه الله فاولئك هم المصدفون.

۲ - در مرحله دوم، از ربا خواری بدینصورت در قرآن یاد میشود که خداوند ضمن انتقاد از عادات و رسوم ناشایست و غلط یهودان «در سوره نساء آیه ۱۶» ببادت ربا خواری آنها اشاره نموده آنرا بشدت تقییح میکند. (۱)

تردیدی نیست مذمت از ربا خواری یهودان، مسلمانان را هم بشدت تحت تأثیر قرار میداد. آنها هم فهمیدند که ربا خواری برای امت‌های سابق تحریم شده بود. آیات قرآن در این مورد، در مسلمانها يك حالت انتظار برای اعلام نهائی حکم ربا و چگونگی آن بوجود میآورد آنها روز شماری میکردند تا وضعیت قانونی ربا از نظر اسلام بزودی برای آنها روشن شود.

دریری نگذشت، انتظار پایان یافت و در سومین مرحله، تحریم نهائی ربا خواری در آیه ۱۳۰ از سوره آل عمران اعلام شد. ولی این تحریم هم مخصوص نوع خاصی از ربا یعنی «ربای فاحش» بود. منظور از اینگونه ربا خواری آن قسم است که نرخ سود بتدریج بالا است که در مدت کمی از راه تراکم سود؛ اصل بدهی شخص بچندین برابر میرسد و در نتیجه سرمایه ربا دار هم از این راه روز بروز افزایش پیدا میکند (۲).

تحریم ربا در این مرحله متوقف نشد و عاقبت بآیک فرمان اکید الهی در آیات «۲۷۸» و «۲۷۹» از سوره بقره هرگونه ربا خواری تحریم گردید. این مرحله نهائی که چهارمین مرحله تحریم بود با صراحت «حرمت هر نوع ربا خواری» را وارد در مزمه قوانین ابدی و جهانی اسلام نمود (۳).

چنانکه ملاحظه شد کتاب آسمانی ما با توجه کامل به اصل مهم «مرامات تدریج در قانون - نظری» برای برانداختن سنت غلط ربا خواری که صدها بدبختی و فساد اجتماعی و اخلاقی و اقتصادی از آن تولید میشد کوشش نموده است و ما با توجه باین مقاصد که از نظام ربا خواری نتیجه میشود قانون حرمت ربا را یکی دیگر از افتخارات و امتیازات بی‌شمار اسلام در عالم قانونگذاری میدانیم.

پس از توجه بسبب کاملاً جالب قرآن در تحریم ربا، اینک تا آنجا که ظرفیت این مقاله

(۱) واخذهم الربوا وقد نهوا عنه واكلمهم اموال الناس بالباطل واعندنا للکافرين منهم عذاب الیم.

(۲) یا ایها الذین آمنوا لاتاكلوا الربوا اضعافاً مضاعفة واتقوا الله لعلکم تفلحون.

(۳) یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وذرُوا ما بقی من الربوا ان کنتم مؤمنین. فان لم تفلحوا

فانذروا بحرب من الله ورسوله وان تبتم فلکم رؤس اموالکم لا تضلمون و لا تضلمون.

اجازت میدهد نظری به جنبه‌های اجتماعی و اخلاقی فلسفه تحریر بر بامیکنیم و بحث در جنبه اقتصادی آنرا بشماره آینده موکول میدارم .

### فلسفه تحریر از جنبه‌های اجتماعی و اخلاقی

جامعه پیش از هر چیز نماز مندی به حس تعاون و عواطف متقابل در میان افراد دارد ؛ هیچ عامل دیگری نمیتواند ، مانند شرکت مساعی افراد بر منای نوع دوستی ، جامعه را مستحکم و هم آهنگ نگه دارد ، این - قیمت اجاب میکند هر گونه تبادل اقتصادی طوری منظر شود که اسمهای به استحکام این عواطف متقابل نزنند و نتیجه آن تولید شدن دشمنیها و بدبینیها باشد و بر باخواری یک نوع تبادل اقتصادی است که این عواطف متقابل را مستحکم میکند غالباً بندر دشمنیها و کینه‌های دامنه‌داری را در دل‌های می‌پزند .

نظام باخواری بر این اصل استوار است که باخوار در عرش انبلی (خواه قرض گیرنده از کسیکه وسیله پول استقراسی بعمل آورده سودبیر دیا زبان) سود پول خود را خواهد گرفت او کمترین اعتنا و توجهی بشر و زبان بدهکار نخواهد داشت بدهکار را اندازه هم در شکسته و بیچاره باشد باید تمام سود پول را بدون کم و کسر بپردازد ، در حالیکه این وضع رقت بار هرگز با موازین عدالت و انصاف جور در نمی‌آید ، عدالت و انصاف میگوید اگر با خوار با توجه بسودی که احیاناً در کسب بدهکار میشود از او سود بگیرد باید در ضرری هم کف معمر است باید او شود سهیم باشد ، این وضع کاملاً غیر عادلانه است که همیشه نهادر کمین سود پول خود بنشینند و کاری بشر و زبان بدهکار نداشته باشد .

در یک چنین تبادل اقتصادی بدهکار احساس میکند در باخوار پول را که از تعاون عموم افراد اجتماع بدست آورده بدون آنکه دوباره بطور صحیح در جامعه بگردش در آورد ، و در نتیجه عموم افراد جامعه را در بر می‌آید آن سهیم کند فقط بخود اختصاص داده است ، بدهکار چنین می‌فهمد که با خوار پول را وسیله استثمار طبقه بی سرمایه قرار داده و در حقیقت از قرض آنها سوءاستفاده نموده است ، بدین ترتیب رباخواری یک نوع تبادل اقتصادی میباشد که کاملاً یکطرفه تنظیم شده و تنها منافع رباخوار در آن منظور گشته است ، بدهکاران که چه از روی اضطرار به این معامله تن میدهند اما هرگز راقبیت غیر عادلانه و ضد انسانی آن را فراموش نمی‌کنند ، در نظام رباخواری غالباً کار باستانی می‌رسد که کاران مقدار چند رباخوار را داشت هر چه تمامتر بر گلوی خود احساس میکنند ، در آن هنگام که سود بدهکاران توانسته اند پول استقراسی

و شاگردوی میباشد و خود نیز بان اعتراف میکند آنجا که گوید: «اگر نبود آن دو سال که در محضر امام صادق (ع) کسب علوم و حقایق کردم هر آینه هلاک میشدم» (۱)  
**مالک** نیز آراء فقهی خود را از کتابهای ابوحنیفه استفاده کرده است و **شافعی** نیز شاگردوی بوده، معلومات خود را از وی یاد گرفته، چنانکه **احمد حنبلی** نیز شاگرد او بوده، در معلومات خود مدیون اوست.

بنابر این آنچه از مسائل فقهی و آرائی که در کتب این مذاهب چهارگانه موافق با عقیده شیعه وجود دارد مرهون راهنماییهای امام صادق (ع) است و آنچه مخالف عقاید شیعه میباشد معارضی است که خود آنها، بمقتضای فکرشان با آنها اضافه کرده اند.  
 همین حقیقت تاریخی یکی از اسبابی است که مرا شوقته این آئین کرد و باعث شد که تشیع خود را سر بجا اعلام کنم.

بمدار انتخاب مذهب شیعه و انتشار کتاب من در سراسر ممالک اسلامی نامه های متعددی از ممالک اسلامی دریافت داشتم که از من خواسته بودند توضیح دهم بجهت از مذهب قدیمی خود که بعدت های مدیدی پیر آن بوده و طبق آن عمل میکردم دست کشیده و بجدد شیعه که دیده ام ناچار من دست بآئین این کتاب بدم».

سپس مولف حالتی ترمزده خود را با مطالب جالبی بطور شرح و حد ذکر میکند که در طی حالات آینده از نظر خوانندگان خواهد گذشت.

### (۱) «الوالاستان اهلك النعمان»

**بقیه از صفحه ۵۴** یعنی برند ولی سود چنان بالای سود حساب شده که اصل بدهی چندین برابر گشته و هستی و زندگی، هکار بیچاره بخطر افتاده چه حالت وضعیتی پیش می آید؟ در این موقع چرا اینکه سراسر وجود بدهکار بیچاره بر با خوارگشت و نفرین بفرستد و تشنه خون او باشد چه انتظار دیگری از او میتوان داشت؟

در این شرائط بحرانی است که همه جا جنایت و خشونت و فجیع رخ میدهد فراوان دیده شده که بدهکار اینکه دستشان از همه جا کوتاه شده، طلبکار را با وضع فجعی کشته اند.  
 چنانکه بسیاری از آنها چنان از زندگی خود سیر شده اند که راهی بجز خاتمه دادن بزنگی و **انتحار** پیش پای خود ندیده اند. سراسرهای وسیع دارگستری تهران تا کنون شاهد مناظر عجیبی از این انتحارهای رقت آور بوده است و صفحات حوادث روزنامهها از این گونه آدم کش ها و با خود کشته ها که از شیوع ربا خواری سرچشمه میگردد فراوان منتشر میکنند.

در اینجا باید توجه داشت عملاً ثابت شده تصور اینکه ربا خواری طوری محدود شود که منجر به این مفاسد نگردد تصویری کاملاً غیر عملی است. پیداست، وقتی يك تبادل اقتصادی بر اساس غلبی استوار بوده و تنها برای تأمین منافع ربا خواری تنظیم شده باشد با محدود کردن آن نمیتوان از مفاسد آن جلوگیری کرد (بحث در باره مفاسد اخلاقی و اقتصادی ربا را در شماره آینده خواهید خواند).